

عنوان مقاله:

تبیین نقش تنظیم گرایانه علوم انسانی در مقابل توسعه گرایی علوم طبیعی (با بازنگری آراء هاینریش ریکرت)

محل انتشار:

فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، دوره 29، شماره 115 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

نویسنده:

کیوان الستی - استادیار، مطالعات نظری علم، فناوری و نوآوری، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

در سال‌های گذشته، بسیاری بر نقش موثری اشاره کرده اند که علوم انسانی می‌تواند در امر کنترل و تنظیم برای حفظ محیط‌زیست و فرهنگ (نه در توسعه فناورانه) ایفا کند؛ با این حال درباره اینکه چه خصلت مشخصی در علوم انسانی سبب شده که چنین کارکردی به آن نسبت داده شود، توضیحی ارائه نشده است. پذیرش این کارکرد مستلزم پذیرش ماهیت متفاوت علوم انسانی از علوم طبیعی می باشد. یک ملاک برای این تمایز از سوی فلاسفه نوکانتی ساوت‌وست ارائه شده که میان علوم طبیعی و علوم فرهنگی مبتنی بر روش (نه موضوع) و نیز الزامات شناختی تمایز شده که جهان از راه آن تجربه می‌شوند. در مقاله حاضر با بازخوانی و تامل در این ملاک، تمایز و به هدف یافتن خصلتی در علوم انسانی استدلال می شود که به امر تنظیم یاری می‌رساند و در فرایندهای توسعه، علوم سخت و کاربردی (یعنی علوم طبیعی و مهندسی)، برخلاف علوم انسانی به دریافت بخشی از واقعیت تجربی قادر نیستند که به ادراک و حساسیت ما در پایداری توسعه یاری می‌رساند. برای پیش بردن این استدلال با مقایسه و تطبیق اندیشه‌های قرن نوزدهمی ریکرت با برخی از رویکردهای معناشناختی فلاسفه در دوران معاصر، تبیین خواهد شد که چگونه نوع نگرش و روش در علوم انسانی (چگونگی دریافت و ارجاع به نمونه‌های انواع طبیعی) دریافت کامل و متوازن جهان تجربه را به همراه خواهد داشت.

کلمات کلیدی:

علوم طبیعی، علوم انسانی، ارزش‌های فرهنگی، تفکر نوکانتی، هاینریش ریکرت، ویلهلم ویندلبانند، توسعه پایدار

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1784877>

